



فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۱-۴۵

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)

رضا آقایی مزرچی^۱

مه‌دی فیضی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱

چکیده

دست‌رسی به توسعه نیازمند درپیش‌گرفتن سیاست‌های داخلی هماهنگ با اقتصاد یکپارچه جهانی است. نوشتار حاضر با بهره‌گیری از رهیافت نظری دولت توسعه‌گرای لفت‌ویچ، به نقش محیط بین‌الملل و سیاست خارجی در توسعه اقتصادی مالزی پرداخته و در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش برآمده که محیط بین‌المللی و سیاست خارجی، در فرآیند توسعه‌ی مالزی در دوره‌ی زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ از کدام ویژگی‌ها برخوردار بوده است. نگارندگان، چنین فرض گرفته‌اند که در فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی، حضور ویژگی‌های کمک‌کننده به توسعه‌ی اقتصادی در محیط نظام بین‌المللی (محیط بین‌المللی مناسب) و کنشگری مسالمت‌جویانه در سیاست خارجی (سیاست خارجی توسعه‌گرا)، نقش بنیادین در کامروایی مالزی در دست‌رسی به توسعه داشته است. روش پژوهش به کاررفته در نوشتار، مقایسه‌ای (چندمتغیره / دوره‌بندی زمانی) و شیوه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است. یافته‌های نوشتار نشان می‌دهد که در عصر جهانی‌شدن، دست‌رسی به توسعه از راهرو سیاست خارجی مسالمت‌آمیز و بهره‌گیری همرا‌هانه از نظام بین‌المللی امکان‌پذیر است.

کلمات کلیدی

مالزی، توسعه اقتصادی، سیاست خارجی، محیط بین‌المللی، سیاست خارجی توسعه‌گرا.

۱- گروه روابط بین‌الملل، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول) aghaee.reza2014@yahoo.com

۲- گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. feizi@um.ac.ir

توسعه فرآیندی چندچهره و موضوعی جهانی است که ریشه‌ی تاریخی آن به قرون ۱۸ و ۱۹ برمی‌گردد؛ در قرن بیستم به اوج رسید و در قرن بیست‌ویک تبدیل به یک موضوع رقابتی در میان کشورهای جهان شده است. توسعه در معنای امروزی خود، مفهومی کمابیش هنجاری است و با معنای قدیمی توسعه که امری خطی و تاریخی محسوب می‌شد، متفاوت شده است. باین حال شناخته‌شده‌ترین فهم جدید از توسعه به‌مثابه یک فرآیند، به‌نحوی آشکار به بسیج برنامه‌ریزی‌شده منابع و تکنولوژی عمومی، خصوصی و یا خصوصی/عمومی در راستای رشد اقتصادی و در تازه‌ترین دیدگاه‌ها، علاوه بر رشد اقتصادی در جهت پیشرفت اجتماعی و سیاسی اشاره دارد. مسئله چگونگی دستیابی به توسعه و شکوفایی اقتصادی در اقتصاد سیاسی جهانی دست کم یکی از کانونی‌ترین مناظرات نظری محافل آکادمیک و اجرایی در نیم قرن گذشته بوده است و معدود کشورهایی که بی‌توجه به این روند جهانی، مسیرهایی غیر از توسعه‌یافتگی و در واقع خلاف جهت جریان حاکم بر نظام اقتصاد بین‌الملل را طی می‌کنند با فشارهای روزافزون و ضربات ویرانگر ناشی از تقابل با این روند جهانی مواجه می‌شوند.

سرزمین مالزی همچون دیگر ممالک جنوب شرقی آسیا تا پایان جنگ جهانی دوم به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت استعمار کشورهای غربی (انگلستان) و شرقی (ژاپن) بوده است (عزیزی، ۱۳۹۸: ۷). باین‌وجود، در دهه‌های اخیر برنامه‌های توسعه‌گرایانه موفق‌تری را به اجرا گذاشته است. فرآیند توسعه مالزی نشان می‌دهد که موفقیت اقتصادی این کشور، ناشی از وجود یک عامل تعیین‌کننده نبوده است؛ بلکه، ترکیبی از عوامل، در پیشرفت اقتصادی این کشور تأثیر داشته است. در مسیر توسعه‌یافتگی به‌نظر می‌رسد که این کشور ضمن ایجاد تحولات داخلی توسعه‌گرایانه، سیاست خارجی و رفتار ویژه‌ای در محیط بین‌المللی پیش گرفته، که نشان از هماهنگی با ایستارهای نظام بین‌الملل و استفاده از فرصت‌های موجود در فضای بین‌المللی دارد. توفیق این کشور در طراحی و اجرای سیاست‌های توسعه‌گرایانه آن‌چنان چشمگیر بوده که در پهنه وسیعی از دنیای اسلام و به‌ویژه در بین نخبگان مسلمان به‌عنوان مدلی از توسعه مطرح شده است. این کشور سال‌هاست که رشد پایدار بیش از هفت درصد را تجربه می‌کند و درآمد سرانه بیش از چهار هزار دلار دارد. مالزی با همه کشورهای جهان روابط خوب و سازنده‌ای دارد. مسأله مهم این است که چگونه این کشور توازن در سیاست خارجی و در ارتباط با محیط بین‌المللی خود، رفتارهایی را در پیش گیرد که به موفقیت آن در توسعه‌ی اقتصادی منجر گردد. در میان نظرات مختلف درباره دولت‌هایی که توسعه‌یافته‌اند نظریه دولت توسعه‌گرا قابل توجه است؛ دولتی که سیاست‌های داخلی و روابط خارجی آن در جهت کسب قدرت، استقلال،

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرچی و فیضی

توانمندی و ظرفیتی است که از طریق ایجاد و ارتقای شرایط رشد اقتصادی، سازمان‌دهی مستقیم رشد اقتصادی یا ترکیبی از این دو، تعیین و تعقیب و تشویق دستیابی به اهداف آشکار توسعه‌ای را امکان‌پذیر می‌سازد.

پیشینه پژوهش

جهت بررسی مطالعات موجود پیرامون موضوع توسعه اقتصادی مالزی، می‌توان گفت که آثار متعددی به رشته تحریر درآمده است؛ مواردی چند از آثار مرتبط را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

لیم کک وینگ (۱۳۸۸)، در تحقیق خود تأثیر سند چشم‌انداز را بر توسعه کشور مالزی مورد مطالعه قرار می‌دهد. همچنین نگارنده در پژوهش خود، نگاهی گذرا به مالزی، وضعیت جغرافیایی، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی، ترکیب قومی، تروریسم و تجربه‌های مالی دارد. مقاله اسلام^۱ که به مباحث توسعه اقتصادی در مالزی می‌پردازد، معتقد است که از اوایل دهه ۱۹۹۰، دولت از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به‌عنوان یک موتور جدید رشد و توسعه نام‌برده است که در سال ۱۹۹۶، این مفهوم بسط پیدا کرد. طبق نظر نگارنده، کاهش سطح ارتباطات و فناوری مسئله حیاتی وابستگی به فناوری خارجی را پیش می‌کشد و در مقابل توسعه، بخش (ICT) را مؤثر بر توسعه اقتصادی برمی‌شمرد و مالزی نیز کشوری است که به‌خوبی توانسته از این ابزار بهره‌گیرد.

آزوکرولا و منون^۲ در ارتباط با توسعه اقتصادی مالزی، به این مطلب می‌پردازند که دو دهه گذشته، گامی مهم در سیاست‌های تجاری در کشورهای در حال توسعه بوده است و بیشتر پذیرای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده‌اند. مالزی را به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب نموده و نتیجه می‌گیرد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بازده قابل‌توجهی را برای مالزی به ارمغان آورد. طلاط^۳ در دومین کنفرانس ASEAN در زمینه سیاست و قانون رقابت، مقاله‌ای را در باب توسعه اقتصادی نوشت. طلاط مالزی را به‌عنوان مطالعه موردی خود انتخاب کرد و به رشد اقتصادی و رقابتی بودن با سیاست پرداخت. مقاله جیمز و مک‌بیین^۴ به دنبال بررسی این موضوع است که، آیا توسعه مالی منجر به رشد اقتصادی مالزی می‌شود یا خیر. نویسندگان با استفاده از داده‌های سری زمانی از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۱ و با استفاده از نرخ بهره واقعی و سرکوب مالی به بررسی پیوندهای رشد مالی می‌پردازند. به اعتقاد جیمز و مک‌بیین، آزادسازی مالی، از بین بردن سیاست‌های سرکوب‌گرانه در تحریک بخش توسعه اقتصادی مالی در کشور مالزی نقش دارد.

مقاله جی بی آنگ^۵ به بررسی رابطه بلند مدت تولید، انتشار آلاینده و مصرف انرژی در فرآیند توسعه اقتصادی مالزی ۱۹۷۱-۱۹۹۹ می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از تحلیل تلفیقی و بررسی علل

مختلف نشان می‌دهد که مصرف آلودگی و مصرف انرژی در بلندمدت با تولید صادراتی مثبت است. مرادی حقیقی و موثقی گیلانی (۱۳۹۴)، به اهمیت مذهب در یک کشور اسلامی، در جهت پیگیری اهداف توسعه و رعایت توازن و تعادل در برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن پرداخته و معتقدند آگاهی مؤثر سیاست‌گذاران مالزیایی از سنت‌های مطلوب فرهنگی در چارچوب مذهب، زمینه‌ساز ارتقای سطح فکری جامعه و شکل‌گیری فرهنگ مطلوب توسعه گردیده است. در ارتباط با فرآیند توسعه اقتصادی در مالزی، مقاله کیان پور و تولایی (۱۳۹۳)، به بررسی بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی با رشدی سریع می‌پردازد. نگارندگان، از این بنگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین عامل رشد، نوآوری و تحرک اقتصادی و توسعه کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و یاری‌دهنده آن‌ها در مرحله گذار اقتصادی یاد می‌کند. برداران شرکاء، جعفری و کاویانی فر (۱۳۸۷)، به مرور تجربه مالزی و بیان اهمیت برنامه‌ریزی توسعه پرداخته‌اند. نگارندگان معتقدند، به لحاظ اهمیتی که کشور مالزی به‌عنوان یک کشور مسلمان و موفق در پیاده کردن چشم‌انداز بلند مدت خودش برای ما دارد، تصمیم گرفتیم که ویژگی‌های چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی را گردآوری کنیم.

شیرزادی (۱۳۸۹)، به روند توسعه اقتصادی - اجتماعی مالزی پرداخته و معتقد است مالزی با بهره‌مندی از مدیریت دقیق اقتصادی، بهره‌گیری از تجربه نسل اول توسعه در این منطقه (ژاپن و کره جنوبی)، سرمایه‌گذاری خارجی و آزادسازی اقتصادی، به سرعت رو به توسعه نهاد و امروزه یکی از کشورهای توسعه‌یافته مسلمان به شمار می‌رود. مقاله بی‌ریان با نگاهی محافظه‌کارانه به فرآیند توسعه اقتصادی در مالزی پرداخته است. این پژوهشگر اعتقاد دارد که در روند توسعه باید به نقش اصلاحات و جایگاه سیاست و اقتصاد توجه کرد، وی پیرامون این مسائل به ارائه سیاست و برنامه‌هایی که منجر به اصلاحات اقتصادی می‌شود، پرداخت. اشرف افخمی (۱۴۰۰)، در کتاب معماری توسعه، با زندگی‌نامه ماهاتیر محمد آغاز می‌کند و در ادامه ریشه‌های اندیشه و تفکر وی را برای بازسازی اقتصادی کشورش مورد توجه و کنکاش قرار می‌دهد، این کتاب همچنین دیدگاه‌های ماهاتیر محمد درباره جهانی‌شدن و مواجهه جهان با مسلمانان و پیشرفت جوامع آن‌ها را نیز مدنظر قرار داده است. در نهایت، با توجه به اینکه نویسندگان به محورهای مختلف درباره توسعه اقتصادی مالزی توجه نموده‌اند، در هیچ‌یک از آثار به زبان فارسی و لاتین موضوع مقاله حاضر به طور خاص، مورد توجه نبوده است. این نوشتار، به حضور ویژگی‌های کمک‌کننده به توسعه اقتصادی مالزی در محیط نظام بین‌المللی (محیط بین‌المللی مناسب) و کنشگری مسالمت‌جویانه در سیاست خارجی (سیاست خارجی توسعه‌گرا) در دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰، به مثابه نقش بنیادین در کامروایی مالزی در دسترسی به توسعه پرداخته است.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌ها از دو زاویه به مطالعه سیاست خارجی می‌پردازند. دسته‌ای نظریه‌های معناگرا هستند که موتور محرکه سیاست خارجی را عوامل غیرمادی و فرهنگی قلمداد می‌کنند و اقدامات سیاست خارجی دولت‌ها را در متن اجتماعی آن مورد بررسی قرار می‌دهند. دسته دوم، نقش عوامل مادی و محیطی (خارجی و داخلی) را مؤثر بر سیاست خارجی دولت‌ها قلمداد می‌کنند. این دسته که در تاریخ روابط بین‌الملل به خردگرایان مشهورند، در دو طیف قرار می‌گیرند: طیف نخست، نظریه‌هایی هستند که به سطح کلان می‌پردازند و سیستم بین‌الملل را تعیین‌کننده اصلی رفتار دولت‌ها قلمداد می‌کنند. طیف دوم، نظریه‌هایی هستند که به توضیح سیاست خارجی دولت‌ها در سطح خرد می‌پردازند و به عوامل داخلی در تعیین سیاست خارجی دولت‌ها اولویت می‌دهند (Martin, 1999:49) یکی از مهم‌ترین مصادیق این طیف که مفهوم سیاست خارجی را در سطح خرد بررسی می‌کند نظریه دولت توسعه‌گرای آدریان لفت ویچ و پیتر اوانز می‌باشد که در آن عرصه سیاست به‌گونه‌ای است که دستگاه سیاسی در مرکز از عزم، قدرت، استقلال، توانایی و مشروعیت کافی برای شکل‌دهی، تعقیب و تشویق دستیابی به اهداف توسعه‌ای آشکار برخوردار است و به این اهداف خواه از طریق ایجاد، ارتقاء و حفاظت از شرایط رشد اقتصادی (در دولت‌های توسعه‌گرای سرمایه‌داری) و خواه از طریق سازمان‌دهی مستقیم اقتصاد (در دولت‌های توسعه‌گرای سوسیالیست) و خواه ترکیب متفاوتی از این دو دست پیدا می‌کند (Leftwich, 2006:53).

لفت ویچ، در کتاب دموکراسی و توسعه، برای دولت‌هایی که در تدوین سیاست‌های خود اندیشه رسیدن به توسعه اقتصادی را دارند پنج ویژگی را در نظر می‌گیرد: نخستین و مهم‌ترین ویژگی دولت‌های توسعه‌گرا این است که همگی توسط نخبگان توسعه‌گرا اداره می‌شوند؛ نخبگانی که مصمم‌اند روند توسعه را به‌پیش می‌برند و ویژگی این نخبگان توسعه‌گرا، عزم راسخ برای پیشبرد توسعه، پایبندی به رشد و تحول اقتصادی و توانایی آنان برای پیشبرد اهداف خویش است (لفت ویچ، ۱۳۸۲:۳۹۸). دیگر ویژگی مشترک همه دولت‌های توسعه‌گرا، استقلال نسبی نخبگان و نهادهای دولتی تحت فرمان آن‌ها است. منظور از استقلال این است که دولت بتواند در برابر درخواست‌های گروه‌های هم‌سود (چه طبقات باشند و چه گروه‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای)، آزادی عمل نسبی داشته باشد و تحت تأثیر این درخواست‌ها قرار نگیرند. دیگر ویژگی دولت‌های خواهان توسعه این است که عزم نخبگان برای پیشبرد توسعه و استقلال نسبی دولت به تشکیل بوروکراسی‌های بسیار قدرتمند، کارآمد و مستقلی کمک کرده است که می‌توانند شکل کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی را هدایت و اداره کنند (لفت ویچ، ۱۳۸۲:۳۹۹).

دیگر ویژگی همه دولت‌های توسعه‌گرا این است که جامعه مدنی، ضعف، تحقیر یا کنترل دولتی را تجربه کرده است، به نظر می‌رسد که این ضعف جامعه مدنی، یکی از شرایط ظهور و تحکیم دولت‌های توسعه‌گرا باشد. دیگر ویژگی دولت توسعه‌گرا این است که اقتدار و استقلال نسبی آن‌ها در اوایل تاریخ توسعه مدرن آنان ایجاد شده و بسیار پیش از این که سرمایه‌های ملی یا خارجی آن‌ها اهمیت یافته و یا صاحب نفوذ شوند، تحکیم شده است (لفت ویچ، ۱۳۸۲: ۴۰۱).

پیتر اوانز نیز در کتاب توسعه یا چپاول با قرار دادن دولت‌های توسعه‌گرا در مقابل دولت‌های چپاول گر ویژگی‌های زیر را برای دولت‌های توسعه‌گرا در نظر می‌گیرد: اول، ظرفیت‌های اداری خارق‌العاده، همراه با گزینش گری (اوانز، ۱۳۸۲: ۱۱۳). دوم، یکپارچگی گروهی که به این دولت‌ها اجازه می‌دهد در برابر سلطه‌جویی دست نامرئی پیشینه‌سازی فردی مقاومت کند (اوانز، ۱۳۸۲: ۱۱۴) سوم، خودگردانی که ویژگی بارز دولت‌های توسعه‌گرا می‌باشد؛ همراه با پیش‌زمینه‌های دست‌یابی به آن مثل ضعف مفرط سرمایه داخلی (اوانز، ۱۳۸۲: ۱۲۲). پیتر اوانز، همچنین با تأکید بر جایگاه دولت در روند توسعه معتقد است که وجود دیوان‌سالاری اقتصادی توانمند و منسجم، یکی از ویژگی‌های ساختاری و کلیدی دولت توسعه‌گرا است. دیوان‌سالاری توانمند نیز مبتنی بر شایسته‌سالاری و اداراتی است که در درازمدت همانند بخش خصوصی کارآمدند. این شاخص‌ها نه تنها در شرق آسیا بلکه در گستره وسیعی از کشورهای رو به توسعه، رشد اقتصادی سریع‌تری را در پی داشته است (Evans and Rauch, 1999:748).

از بررسی دیدگاه‌های لفت ویچ و اوانز چنین برمی‌آید که دولت کارآمد با تدوین برنامه‌ها و سیاست‌هایی در راستای توسعه اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در روند توسعه ملی دارد و از آنجاکه رابطه‌ی توسعه و سیاست، از جمله سیاست خارجی، در ادامه‌ی رابطه اقتصاد و سیاست است که در دو سطح ملی و بین‌المللی تنظیم می‌شود بر اهمیت وجود دولت کارآمد افزوده می‌شود. دولت مالزی روند توسعه اقتصادی- اجتماعی خود را در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، و به طور مشخص از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز نمود (اناک جوان، ۱۳۹۰: ۲۸). این کشور از یک سو با گروه‌های اجتماعی و از سوی دیگر با فضای بین‌المللی در تعامل است و تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را بر اساس اوضاع جهانی تعریف می‌کند تا بدین وسیله روند پیشرفتش تداوم یابد و جامعه دچار عقب‌ماندگی نشود. این روند در مالزی بدون وقفه ادامه دارد و باعث شده تا کل شهروندان نسبت به تغییرات ایجاد شده واکنش مثبت نشان دهند (خواجه سروی و رسولی، ۱۳۹۸: ۱۵). بنابراین، بر اساس نظریه دولت توسعه‌گرا، کشورهای

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرچی و فیضی

در حال توسعه ناچارند برای سرعت بخشیدن به فرآیند توسعه‌یافتگی، سیاست‌های داخلی و به‌ویژه روابط خارجی خود را در جهت کسب قدرت، استقلال، توانمندی و ظرفیت اقتصادی تنظیم نمایند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این تحقیق به وضعیت مالزی از قرن ۱۸ تاکنون پرداخته و مراحل توسعه اقتصادی و سیاست‌های دولت برای پیشرفت را شرح می‌دهد.

۱. مالزی در سده ۱۸ و ۱۹

شواهد موجود از زندگی مدرن در مالزی به ۴۰ هزار سال پیش برمی‌گردد. به نظر می‌رسد که اولین ساکنان شبه‌جزیره مالایا سیاه‌پوستان بومی کوتاه‌قدی از منطقه آسترونزیایی بوده‌اند. بازرگانان و مهاجران هندی و چینی در اوایل قرن اول پس از میلاد به این منطقه آمدند و شروع به تاسیس بنادر تجاری و شهرهای ساحلی در قرون دوم و سوم کردند. نتیجه حضور آنان تأثیر شدید هندی و چینی در فرهنگ بومی آنان بود و به‌این ترتیب مردم شبه‌جزیره مالایا ادیان هندو و بودا را پذیرفتند. در حدود قرن دوم، پادشاهی لنگ کاسوکا بر شمال شبه‌جزیره مالایا حکمرانی می‌کرد و تا حدود قرن پانزدهم ادامه داشت. از قرن هفتم تا سیزدهم نیز اغلب قسمت‌های جنوبی این شبه‌جزیره قسمتی از مرز دریای امپراتوری سریویجایا بودند. پس از سقوط امپراتوری سریویجایا، امپراتوری ماجاپاهیت بر بیشتر شبه‌جزیره مالایا و مجمع‌الجزایر مالایا تسلط گرفت. دین اسلام نیز در قرن چهاردهم در بین مالایی‌ها گسترش یافت.

در اوایل قرن پانزدهم سلطان اسکندر شاه که شاه فراری پادشاهی سابق سنگاپور بود، سلطنت مالاکا، که اغلب به‌عنوان اولین ایالت مستقل در منطقه شناخته می‌شود را تاسیس کرد. مالاکا مرکز تجاری مهمی در آن زمان به حساب می‌آمد و تجارت سراسر منطقه را به خود جذب کرد. پرتغالی‌ها در راستای توسعه‌طلبی و برنامه استعماری خود، در سال ۱۵۱۱ شهر مالاکا (مرکز مالزی شبه‌جزیره‌ای امروزی) را به تصرف درآوردند و سلطان مالاکا به جنوب این شبه‌جزیره و در ناحیه جوهور متواری شد تا بتواند بعدها حکومت مستقلی را تشکیل دهد. ناوگان هلندی‌ها در جنگی برابر نیروی دریایی پرتغالی‌ها که به‌عنوان قسمتی از جنگ بین هلند و پرتغال به حساب می‌آید، پیروز شدند و کنترل مالاکا را در سال ۱۶۴۱ به دست گرفته و سیاست‌های استعماری را ادامه دادند. منافع هلند و بریتانیا در منطقه در دهه ۱۸۰۰ میلادی، با ایجاد شرکت هند شرقی توسط بریتانیا و دفتر تجاری در جزیره سنگاپور رو به گسترش گذاشت.

در سال ۱۸۲۴ و در پی توافق دولت بریتانیا و پادشاهی هلند، مالاکا در عوض سوماترا به بریتانیا واگذار گردید و سرانجام در دهه ۱۸۸۰ بریتانیا رسماً تحت‌الحمایگی مالزی را ایجاد کرد (اسکندریان، ۱۳۸۳: ۳-۴). در سال ۱۸۲۴، انگلیسی‌ها بر منطقه چیره شدند. همچون بیشتر مناطق آسیا، سبب عمده مستعمره شدن هم ضعف شدید سیاسی و نظامی بوده است. در خلال دورانی که انگلیسی‌ها بر مالزی فرمانروا بودند، تلاش کردند اوضاع سیاسی و اقتصادی آنجا را سامان دهند. وجود منابع طبیعی سرشار همچون کائوچو، قلع، نفت، روغن نخل و... عامل اهمیت مالزی برای بریتانیا بود. همچنین، موقعیت استراتژیک تنگه مالاکا که دو اقیانوس آرام و هند را به هم پیوند می‌زد نیز بر اهمیت این کشور در برآوردن امنیت و چیرگی بریتانیا بر آن منطقه می‌افزود (وود، ۱۳۸۴: ۷۸).

۲. مالزی در سده ۲۰

۲-۱. قبل از جنگ جهانی دوم

سرزمین مالزی در قرن هجدهم میلادی به تحت‌الحمایگی انگلیس درآمد و تا سال ۱۹۴۱ انگلیسی‌ها نظارت بر امور آن را به‌عهده‌داشتند. مردم آن غالباً به کشاورزی اشتغال داشتند و نابسامانی‌های زیادی را در بخش اقتصاد تجربه نمودند. عدم توجه جایگاه کشاورزی یکی از عوامل عمده بروز مشکلات بود و باعث می‌شد که مردمان زیادی در مالزی با فقر دست‌وپنجه نرم کنند (آذری نیا، ۱۳۸۶: ۶).

۲-۲. جنگ جهانی دوم

دگرذیسی قدرت استعماری در آغاز جنگ جهانی دوم، دگرگونی مهمی برای مالایی‌ها بود. موقعیت آن‌ها با آمدن ژاپنی‌ها و رفتن انگلیسی‌ها بهتر شد. انگلیسی‌ها با توجه به توان اقتصادی چینی‌ها و نیز وجود پیوندهای مذهبی مسیحیت نزد ایشان، گرایش داشتند که چینی‌ها مالزی را اداره کنند این مسئله سبب شده بود که مالایی‌ها در فعالیت اقتصادی و سیاسی به عقب رانده شوند. در فاصله سال‌های جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها بر مالزی چیره شدند. آن‌ها که کینه‌ورزی دیرپایی با چینی‌ها داشتند تلاش کردند که مالایی‌ها بر سر کار بیایند و چینی‌ها را کنار بزنند. در نتیجه در مدت کمی مالایی‌ها قوی‌تر شدند و امور سیاسی را به دست گرفتند. هنگامی که انگلیسی‌ها برگشتند دریافتند که نظم امور به نفع مالایی‌ها رقم خورده است و از این رو دیگر نتوانستند مالایی‌ها را به حاشیه برانند (فیضی، ۱۳۷۸: ۵۳۵).

در جنگ جهانی دوم ارتش ژاپنی‌ها به مالایا، شمال جزیره بورنئو، ساراواک و سنگاپور حمله کرده و آنجا را اشغال کردند. در طی این زمان تنش‌های قومی افزایش یافت و ناسیونالیسم رشد کرد. حمایت

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرچی و فیضی

مردمی برای استقلال پس از فتح دوباره مالایا توسط نیروهای متفقین افزایش یافت به دنبال اشغال مالزی در طول جنگ جهانی دوم، جنبش ناسیونالیستی، با حمایت بریتانیا از مالزی برای ایجاد نوعی خود مختاری در سال ۱۹۴۸ در این کشور شکل گرفت. اما شبه نظامیان کمونیستی با استفاده از جنگل، جنگی را برای آزاد سازی مالزی به راه انداختند. در این میان بریتانیا و وضعیت فوق‌العاده‌ای برای سرکوب شورشیان اعلام کرد که تا دهه ۱۹۶۰ ادامه داشت. در طول جنگ، انگلیسی‌ها طرحی برای ایجاد اتحادیه مالایا بعد از خروج ژاپنی‌ها تدارک دیده بودند که در واقع نوعی ایجاد تمرکز از طریق اعلام وفاداری مردم به فرماندار سلطنتی انگلیس به جای بیعت با سلاطین محلی بود. طرح اتحادیه مالایا با مخالفت مالایوها روبرو شد. رهبری این مخالفت با حزب آمنو بود که توسط داتوعون جعفر، در ۱۹۲۶م بنیان گذاشته شده بود. ماه‌ها کشمکش میان انگلیس و رهبران محلی منجر به کنار گذاردن طرح دولت مرکزی شد (ذبیحی، بی تا: ۱۰).

۲-۳. مالزی بعد از جنگ جهانی دوم

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، مالایایی‌ها دست برتر را داشتند و برای کسب استقلال و تهیه‌ی قانون اساسی که در بردارنده‌ی برتریشان باشد با بریتانیا وارد مذاکره شدند. در اوایل فوریه ۱۹۴۸م طرح فدراسیون مالایا شامل ۹ ایالت مالایو، پنانگ و مالاکا به مرحله اجرا درآمد که در راس آن یک کمیسر عالی انگلیس به‌عنوان نماینده انگلیس و سلاطین مالایو قرار داشت که یک شورای مشورتی اجرائی و یک شورای قانون‌گذاری، وی را یاری می‌کردند. انگلیس در سال ۱۹۴۸م قول داده بود که به فدراسیون مالایا خود مختاری اعطا کند. در ۲۱ اوت ۱۹۵۷م فدراسیون مالایا شامل ۹ ایالت شبه‌جزیره، مالاکا و پنانگ به استقلال دست یافت.

در سال ۱۹۶۱م تنکو عبدالرحمن نخست وزیر مالزی در سخنرانی خود در دانشگاه سنگاپور، فکر تشکیل فدراسیون گسترده غربی را که علاوه بر شبه‌جزیره مالایا شامل سنگاپور و ایالت بروننو (از جمله برونئی) می‌شد را مطرح کرد. پیشنهاد وی عکس‌العمل‌های متفاوتی را به دنبال داشت. انگلیس از این طرح حمایت نمود زیرا معتقد بود کشور- شهر سنگاپور و دیگر مناطق تحت‌الحمایه انگلیس همچون ساراواک و صباح بعد از خروج انگلیس، از نظر اقتصادی و سیاسی قادر به ایستادن بر روی پای خود نیستند. در مالایا و سنگاپور نیز از این پیشنهاد به طور گسترده‌ای استقبال شد اما بلافاصله مخالفت‌هایی از جانب فیلیپین مطرح شد که نسبت به بروننوی شمالی (صبح) ادعا داشت. همچنین در اندونزی هم سوکارنو و هم حزب پر قدرت کمونیست این کشور، این پیشنهاد را یک توطئه از سوی استعمار نو خواندند.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

در همان زمان، تنکو عبدالرحمن مذاکرات با انگلیس را جهت تشکیل فدراسیون مالزی ادامه داد و در ۹ ژوئیه ۱۹۶۲م موافقتنامه‌ای را با انگلیس به امضاء رساند که در آن، روز ۲۱ اوت ۱۹۶۳م به‌عنوان زمان تشکیل فدراسیون مالزی تعیین شده بود. فدراسیون مزبور در تاریخ مقرر تشکیل شد اما برونی در آخرین لحظات از پیوستن به فدراسیون اجتناب کرد. سنگاپور هم در نهایت در سال ۱۹۶۵ با دخالت انگلیس از فدراسیون خارج شد و در ۹ اوت سال ۱۹۶۵م یک کشور مستقل گردید. از سال ۱۹۶۶ یازده ایالت سابق مالایا به‌عنوان مالزی غربی و صباح و ساراواک به‌عنوان مالزی شرقی شناخته می‌شوند. از زمان استقلال مالزی، ایجاد هماهنگی نژادی همواره یکی از مسائل مهم در این کشور بوده که از نظر رهبران یک کشور، ایجاد ائتلاف و تشکیل جبهه ملی، پاسخی به این امر بوده است (جعفری، ۱۳۸۴: ۴۱۰).

در سال ۱۹۶۸ دولت به سمت تراز اقتصادی از طریق سیاست اقتصاد ملی حرکت کرد. تنکو عبدالرحمن مشهور به پدر استقلال مالزی برای سه دوره سمت نخست‌وزیری را در این کشور به عهده داشته است. وی در ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۷۰ رسماً استعفای خود را تسلیم پادشاه کرد و جانشین او تون عبدالرزاق معروف به پدر توسعه مالزی شد. نخست وزیران بعد از وی به ترتیب تون حسین عون معروف به پدر اتحاد مالزی، ماهاتیر محمد پدر مدرنیته و معمار نوین مالزی، تون محمد عبدالله بداوی معروف به پدر توسعه و سرمایه‌گذاری و نجیب تون رزاق که از ۲۰۰۹ میلادی این پست را بر عهده داشت (شیرزاد، ۱۳۸۹: ۱۶۰).

ماهاتیر محمد با اصلاحاتی که انجام داد توانست مالزی را به اصطلاح به یکی از بردهای آسیا تبدیل کند و در طول دهه ۱۹۹۰، با اجرای پروژه‌های زیادی، پایتخت جدیدی از کوالالمپور بسازد. در سال ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ مالزی با بحران‌های مالی شرق آسیا روبه‌رو شد، اما ماهاتیر محمد برخلاف تجویزهای صورت گرفته از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، نرخ تبادل ارز را ثابت نگه داشته و کنترل سرمایه را به دست گرفت. در سال ۱۹۹۹ مالزی در جاده احیای اقتصادی افتاد و ثابت شد که اقدامات ماهاتیر محمد درست بوده است. پس از ماهاتیر محمد، عبدالله بداوی به نخست‌وزیری رسید. وی فردی اصلاح‌طلب در حوزه اداری بود و در جهت کاهش فساد در دولت تلاش کرده است. بداوی در ابتدای کار تمام تلاش خود را مبارزه با رشوه در تمام سطوح نظام، چه دولتی و چه خصوصی، مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر، که به‌ویژه در میان جوانان مالزیایی گسترش پیدا کرده است و مبارزه با فساد اخلاقی در جامعه قرار داد (اسکندریان، ۱۳۸۳: ۵-۶).

مالزی همواره در برخی از ارگان‌های بین‌المللی فعال بوده و تحت رهبری ماهاتیر محمد، این کشور در مورد شماری از مسائل بین‌المللی مواضع بسیار صریحی اختیار کرد. همچنین ماهاتیر به خاطر

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرچی و فیضی

بی‌اعتنایی‌اش نسبت به انتقادهایی که از پیشینه دولتش در زمینه حقوق بشر می‌شد و آمادگی‌اش برای انتقاد از پیامدهای آزادی مطبوعات و سایر شیوه‌های بازتر دموکراتیک که در آمریکا و اروپا رایج است، مورد توجه بود. در جبهه اقتصادی، وی بسیاری از ابتکارات بین‌المللی در زمینه حقوق اصناف تجاری و حفظ محیط زیست را اقداماتی می‌دانست که کشورهای غنی و توسعه‌یافته برای جلوگیری از توسعه کشورهای تازه صنعتی شده، وضع کرده‌اند. اما واکنش‌های مالزی کاملاً منفی هم نبوده است. برای نمونه در کنفرانس جهانی توسعه و محیط زیست در ژوئن سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو (برزیل) و همچنین در سازمان بین‌المللی چوب و الوار استوایی، هیات اعزامی مالزی پیشنهادهایی ارائه دادند ناظر به این که کشورهای مصرف‌کننده (یعنی کشورهای ثروتمند صنعتی) اعتبارات مالی لازم برای حفاظت جنگل‌ها و کاشت مجدد جنگل در کشورهای فقیر صادرکننده چوب و الوار را تأمین کنند و همچنین تجارت الوار در کشورهای استوایی و معتدل تحت نظارت قرار گیرد (نیزبیت، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

مالزی همچنین دست به ابتکارات منطقه‌ای مهمی زده است. این کشور یکی از کشورهای بنیان‌گذار و عضو «انجمن ملل جنوب شرقی آسیا» یا «آسه‌آن» بوده است که اکنون اندونزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، برونئی، ویتنام و مالزی را در برمی‌گیرد و این نهاد را به‌صورت ابزار مهمی برای جهت‌گیری منطقه‌ای در مورد مسائل بین‌المللی برای حل‌وفصل اختلافات و افزایش بازرگانی درون منطقه‌ای و توسعه درآورده است. مالزی همچنین عضو اتحادیه گسترده‌تر و نامسجم‌تر «همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه» یا «آپک» است که استرالیا، زلاندنو و کشورهای آمریکایی واقع در حاشیه اقیانوسیه و شرق آسیا را در برمی‌گیرد. آمریکا و استرالیا در تلاش هستند تا انسجام این نهاد را افزایش دهند و به‌ویژه تجارت آزاد را در میان همه اعضای آن ایجاد کنند. مالزی برجسته‌ترین و بعضاً تنها مخالف آن‌ها بوده است (شیرزاد، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

مالزی از اولین برنامه پنج‌ساله توسعه در سال ۱۹۵۵، توسعه ملی را آغاز نمود. بعد از آن در مالزی ۹ برنامه توسعه به اجرا درآمده است که هدف هر یک از آن‌ها سازگاری با شرایط متغیر موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مالزی باشد. هدف‌های توسعه در دهه ۱۹۵۰ بر مدرن‌سازی قسمت‌های سنتی استوار بود، مجموع این اهداف سبب شد که برنامه‌های توسعه و بازسازی زمین و گسترش کشاورزی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بیشتر مورد توجه قرار گیرد و کیفیت استانداردهای زندگی به سرعت رشد یابد (تشکینی و عریان، ۱۳۸۹: ۷). در سال ۱۹۶۹ به دلیل ناآرامی قومی، برنامه پنج‌ساله مالزی بیشتر بر توسعه کار آفرینی جمعیت بومی کشور و بازتوزیع درآمد تمرکز داشت و سامان دادن جامعه و ریشه کن نمودن فقر در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و در نهایت تقویت تولیدات صنعتی، بخش خصوصی به

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

موتور رشد در دهه ۱۹۹۰ تبدیل گردید (تشکینی و عریان، ۱۳۸۶: ۸-۷).

۳. برنامه‌های توسعه اقتصادی مالزی

۳-۱. پیش نویس برنامه توسعه (۱۹۵۵-۱۹۵۰)

در دوره پیش از استقلال توسعه اقتصادی دولت اساساً بر توسعه زیر ساخت و کشاورزی متمرکز شده بود که غالباً بر بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی استوار بود. تا قبل از سال ۱۹۷۰ مالزی فقیر به حساب می‌آمد و بیش از ۴۹ درصد از مردم آن در فقر به سر می‌بردند. مالزی در آن دوران، به طور عمده به کشاورزی مشغول و مواد خام تولید می‌نمود و درآمد سرانه آن تقریباً ۲۵۰ دلار و سهم تولیدات صنعتی در صادراتش اندک و در حد ۱۳ درصد بود (فیضی، ۱۳۸۷: ۵۳۹). این پیش‌نویس برنامه توسعه، بیانگر واگذاری ایالات به معادن و کشتزارهاست و هزینه توسعه آن شدیداً به بخش صادرات و منافع شهری با اولویت ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی توجه داشت. در این زمان منابع قابل توجهی برای مقابله با شورش کمونیسم‌ها هزینه گردید (دورای سامی، آنتیا؛ ۲۰۰۵).

۳-۲. اولین برنامه پنج‌ساله مالایا (۱۹۶۰-۱۹۵۶)

نخستین برنامه توسعه اقتصادی است که قبل از استقلال مالزی (۱۹۵۷)، به کمک دولت مالایا آغاز شده است. دولت استعماری انگلیس منابعی که وجود داشت را برای مقابله با شورش کمونیسم‌های مالایی بجای توسعه دادن مناطق روستایی مالایا هزینه کرده است (تشکینی و عریان، ۱۳۸۹: ۲۳).

۳-۳. دومین برنامه پنج‌ساله مالایا (۱۹۶۵-۱۹۶۱)

برنامه‌ای که به وسیله مالایا آغاز و دولت مالزی آن را ادامه داد. این برنامه پیرو اولین برنامه پنج‌ساله توسعه می‌باشد و در آن هزینه توسعه بخش‌های کشاورزی در مناطق روستایی افزایش یافت. به علاوه وجوه هنگفتی به برنامه‌های توسعه زمین، خدمات اجتماعی و زیرساخت‌های فیزیکی تعلق گرفت که هدف آن فراهم نمودن فرصت‌هایی برای جمعیت روستایی جهت بهبود سطوح اقتصادی و رفاه اجتماعی آن‌ها بوده است (حسن زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

۳-۴. اولین برنامه توسعه مالزی (۱۹۶۵-۱۹۷۰)

این برنامه با هزینه‌ای معادل ۴/۲ میلیارد رینگیت، هدف افزایش رفاه کلیه شهروندان و ارتقای شرایط زندگی در بخش‌های روستایی به خصوص در بین گروه‌های پایین درآمدی را دنبال می‌کرد. به عبارتی برنامه توسعه بر بالارفتن دسترسی به تسهیلات پزشکی در روستاها از طریق شکل‌گیری خدمات بهداشت روستایی استوار گردید. در آخر برنامه توسعه آن‌ها، شکاف بین بخش‌های روستایی و

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرچی و فیضی

شهری از نظر کیفیت خدمات پزشکی کاهش یافت اما به طور کامل حذف نشد. مدت کوتاهی پس از اجرا برنامه توسعه، مقامات استعماری سابق مالزی، انگلستان، نسبت به بازپس‌گیری سیستم دفاعی خویش و وضع ضرورت‌های اقتصادی برای مالزیایی‌ها اقدام نمودند. در نهایت اینکه دولت مالزی برای جلوگیری از شکست برنامه به دلیل کمبود وجوه به کمک‌های مالی ایالات متحده آمریکا روی آورد (تشکینی و عریان، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۳).

۳-۵. سیاست نوین اقتصادی طی سال‌های (۱۹۹۰-۱۹۷۰)

در دوره پیش از سال ۱۹۷۰، تأکید بر توسعه اقتصادی و روستایی با هدف رشد بازار صادرات بود. این سیاست پس از شورش‌های قومی در سال ۱۹۶۹ به سرعت معرفی گردید. این سیاست در ظاهر برای ایجاد شرایط اقتصادی-اجتماعی جهت حصول اتحاد ملی از طریق سیاست‌های باز توزیعی طراحی شده بود. در این زمان تلاش گردید تا، هم زیرساخت‌های اجتماعی و هم زیرساخت‌های فیزیکی ایجاد شود و سیاست‌ها در جهت بالا بردن تولید هدایت شود. با عبور از این دوران مالزی از چهار ابزار برنامه‌ریزی سود جست که هر یک دارای افقی متفاوت بود. این ابزار چهارگانه بدین ترتیب است:

- برنامه چشم‌انداز که جنبه‌ای درازمدت دارد؛

- برنامه پنج‌ساله توسعه مالزی که برنامه‌ای میان‌مدت محسوب می‌شود؛

- ارزیابی نیمه اول برنامه توسعه پنج‌ساله؛

- بودجه سالانه؛ تمام ابزار چهارگانه در قالب سند "چشم‌انداز ۲۰۲۰" هدایت می‌شوند (شرکاء،

۱۳۸۸:۱۶۸).

در اولین برنامه بلند مدت توسعه، دولت به منظور حصول اهداف سیاست نوین اقتصادی (NEP)^۸ که مهم‌ترین تغییر سیاستی تاریخ مالزی به شمار می‌آید، چهارچوب اقتصادی-اجتماعی گسترده‌ای تعیین کرد. طراحان برنامه مالزی برای این دوره، میانگین نرخ رشد ۸ درصدی را در نظر داشتند و در خلال این برنامه بلند مدت، چهار برنامه پنج‌ساله توسعه در مالزی به وقوع پیوست که دو برنامه توسعه آن‌ها در دهه ۱۹۷۰ (برنامه دوم و سوم) و دو برنامه دیگر در دهه ۱۹۸۰ (برنامه چهارم و پنجم) بود (توکلی، ۱۳۸۴:۱۰۹).

این برنامه به دنبال توسعه اقتصادی بر اساس الگوی جایگزینی واردات، هماهنگی اقتصادی میان اقوام و صنعتی شدن در پنج سال آخر برنامه و ریشه‌کنی فقر بود که پس از یک برنامه پنج‌ساله در سال ۱۹۷۶ میزان فقر از ۴۹/۳ درصد به ۳۵/۱ درصد کاهش یافت. برای دستیابی به این هدف نهادهای

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

دولت نقش مهمی را در اقتصاد داشتند، به نحوی که بخش خصوصی تشویق گردید تا به عنوان موتور رشد، ایفای نقش نماید (موسوی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

۳-۶. سیاست نوین توسعه (۲۰۰۰-۱۹۹۱)، دومین برنامه بلند مدت

این برنامه تشکیل دهنده‌ی دهه اول سند چشم‌انداز (۲۰۲۰)، تحت عنوان "مالزی راه آینده" است. هدف آن، واگذاری ۳۰ درصد از مجموع فعالیت‌های اقتصادی به بومی‌ها و نیز تسریع بخش توسعه بود (فیضی، ۱۳۷۸: ۵۴۲).

نتایج دومین برنامه بلند مدت در سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد علیرغم وجود بحران بزرگ مالی سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۷، وضعیت کلی مالزی از نظر اقتصادی بیش از گذشته ارتقا یافته است. در پایان قرن ۲۰ میلادی مالزی از یک کشور تولیدکننده محصولات خام کشاورزی با درآمد متوسط به یک کشور مبتنی به اقتصاد چندبخشی توسعه یافت. در سال ۲۰۰۰ در ترکیب بخش‌های اقتصادی، بالاترین درصد را بخش صنعت (۴۴ درصد از کل فعالیت‌های اقتصادی) داشت و پس از آن خدمات کشاورزی به ترتیب با ۴۲ درصد و ۱۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. صادرات مالزی در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۹۸/۲ میلیارد دلار و نرخ تورم ۱/۷ درصد گزارش شده است (سایت ورد پرس)^۹.

۳-۷. برنامه بلند مدت (۲۰۱۰-۲۰۰۱)

دومین دهه توسعه سند چشم‌اندازی را شکل می‌دهد که تمرکز آن بر ملت انعطاف‌پذیر و قابل رقابت است، که تلاش‌هایی در جهت بالابردن کیفیت توسعه، رشد پایدار و رفاه برای تمامی مردم صورت بگیرد، البته اتحاد ملی به عنوان هدف اصلی توسعه به قوت خود باقی است و تنوع مالزیایی‌ها- نژادی، زبانی، فرهنگی و مذهبی در شکل‌گیری جامعه هماهنگ مورد توجه می‌باشد (نیزبیت، ۱۳۸۵: ۵۵۶).

۳-۸. چشم‌انداز (۲۰۲۰)

طبق این برنامه مالزی به کشوری درجه یک در سطح جهان تبدیل می‌شود، یعنی کشوری کاملاً توسعه یافته از نظر ثبات سیاسی، اقتصادی، نظام حکومتی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، ارزش‌های اجتماعی و معنوی، غرور ملی و استواری (توکلی، ۱۳۸۴: ۱۵۴). همچنین سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ مطابق با «توسعه جامع» بنا گردید و در راستای این شعار، باید پایبند به اصول توسعه انسانی جهت ارتقای کیفیت و معیارهای زندگی مردم تا سطح ملت‌های توسعه یافته باشند (برادران شرکاء، ۱۳۸۸: ۱۷۰-۱۶۸).

مالزی در سه دهه اخیر به سرعت پیشرفت داشت و از کشوری که به تولید طیف وسیعی از مواد خام

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرچی و فیضی

معدنی و تولیدات کشاورزی صادراتی متکی بوده به کشوری تبدیل شد که صنایع تولیدی جایگاه مسلط را در اقتصاد آن ایفا می‌نمایند. با توجه به آنکه کشاورزی و تولید کارخانه‌ای در سال ۱۹۸۶ سهمی تقریباً مساوی در تولید ناخالص داخلی داشتند، از سال ۱۹۹۴، تولید کارخانه‌ای دو برابر کشاورزی اهمیت پیدا کرد. مطابق با آمارهای سال‌های گذشته، صادرات این کشور ۱۱۸/۶ میلیارد دلار و واردات آن ۹۶/۸ میلیارد دلار است. در رتبه‌بندی شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۷ مالزی با کسب ۶۵/۸۵ امتیاز در رتبه ۴۸ قرار گرفت و در میان ۳۰ کشور جنوب شرق آسیا به جایگاه هشتم و در میان ۱۰۲ کشور در حال توسعه، رتبه ۱۵ را کسب نمود (فیضی، ۱۳۸۷: ۵۵۹).

۴. عوامل مهم توسعه اقتصادی مالزی

۴-۱. خصوصی سازی

خصوصی سازی به‌عنوان عامل کلیدی توسعه پایدار برای کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. اگرچه دستیابی به این هدف با مشکلات مهمی همراه است و باید از طریق برنامه‌ریزی مناسب به این مهم دست یافت (جعفرزاده، ۱۳۸۶: ۳۹). مالزی درس خصوصی‌سازی را بهتر از دیگران فراگرفت و برنامه خصوصی‌سازی این کشور در واکنش به شوک‌های خارجی که بحران‌های مالی و بدهی را در مالزی شدت بخشید، ایجاد شد (دلوری و عینی، ۱۳۹۷: ۳۱). این کشور، هم اکنون در حدود ۲۴ میلیارد دلار سالانه با بهره‌گیری از آن پس‌انداز می‌کند. این پس‌اندازها نتیجه خصوصی شدن ۱۲۰ نوع فعالیت دولتی در دوران بعد از سال ۱۹۸۲ می‌باشند. پروژه خصوصی سازی مالزی را در محافل اقتصاد بین‌المللی، یکی از موفق‌ترین‌ها در جهان می‌دانند. ماهاتیر محمد معمار خصوصی سازی در مالزی بوده و با واگذاری بخش مهمی از فرصت‌های خصوصی سازی به بومی پوتراها یا همان بومیان مالزی نشان می‌دهد که مقامات پیش از آن در اشتباه بوده‌اند (نیزبیت، ۱۳۸۵: ۱۹۷-۱۹۵). در اواسط دهه ۱۹۸۰ خصوصی سازی در مالزی آغاز گردید و هدف مهم آن‌ها کاهش هزینه‌های گزاف دولتی و بدهی‌های آن بود، که با سپردن سهام دولتی به بخش‌های خصوصی؛ فروش سرمایه و اجاره دادن اموال دولتی انجام می‌شد (موسوی، ۱۳۷۸: ۳۳).

۴-۲. رشد بالای سرمایه‌گذاری خارجی

اغلب گفته می‌شود که برای رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و پس‌انداز از شروط اولیه است، در حالی که با تحرک قابل‌ملاحظه در اقتصاد، ایجاد پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به‌طور خودکار اتفاق می‌افتد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از بااهمیت‌ترین بخش‌های اقتصادی در مالزی به شمار می‌رود و

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

در زمره دیگر ابتکاراتی است که معمار نوین مالزی یعنی ماهاتیر محمد انجام داد (رنجکش، ۱۳۹۸: ۱۱). در نتیجه سیاست نگاه به شرق ماهاتیر محمد، ژاپنی‌ها در مرتبه نخست بودند که میزان سرمایه‌گذاری آن‌ها از ۲۶۴ میلیون دلار در سال ۱۹۶۵ به ۴/۲۱۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ رسید. بعد از ژاپنی‌ها این تایوانی‌ها بودند که بیشترین سهم سرمایه‌گذاری را در این سال‌ها در مالزی داشته‌اند که از رقم ناچیز ۳۲ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ به عدد شگفت‌انگیز ۶/۳۳۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ افزایش یافت (توکلی، ۱۳۸۴: ۱۶۴). از انگیزه‌های سرمایه‌گذاران خارجی در مالزی می‌توان پایین بودن هزینه‌های داخلی، ثبات سیاسی، پول ملی نیرومند، شالوده‌های استوار اقتصادی، زیربنای نسبتاً توسعه‌یافته و نیروی کار تحصیل‌کرده را در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نام برد. در دو دهه گذشته مالزی بالاترین نرخ جذب سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران خارجی را نسبت به دیگر کشورهای منطقه، از آن خود کرده است (شیرزاد، ۱۳۸۹: ۱۶۶).

۴-۳. توسعه تکنولوژی صنعتی

مالزی می‌خواهد در عرض یک نسل به کشوری ثروتمند و پیشرفته تبدیل شود و برای تحقق چنین جامعه‌ای، چاره‌ای جز تضمین سریع‌تر رشد ممکن در جهت صنعتی شدن ندارد. از سال ۱۹۶۵ سیاست صنعتی شدن مالزی در پاسخ به کاهش رشد صنعتی و جدایی از سنگاپور صنعتی شده در پیش گرفته شد. در سال ۱۹۷۰ در جریان سیاست اقتصادی نوین، برنامه صنعتی بیشتر به سود شرکت‌های دولتی بود. بعد از آن در دهه ۱۹۸۰، برنامه توسعه مالزی به‌مراتب متحول گردید و مقامات این کشور گرایش به آن پیدا کردند که از طریق صادرات صنعتی رشد اقتصادی را افزایش دهند. ژاپن و کره جنوبی را ماهاتیر محمد به مثابه الگوی صنعتی در نظر گرفت. برنامه صنعتی دیگر مالزی در راستای سیاست نوین توسعه، از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ به اجرا درآمد و گسترش صنایع و فناوری کاربر مورد توجه قرار گرفت و از زمان طرح دوم صنعتی شدن، بیش از ۲۰۰ مرکز توسعه صنعتی و ۱۲ بندر آزاد و چندین پارک صنعتی فناوری در مالزی فعالیت دارند که به پیشرفته‌ترین ابزار روز تجهیز شده و همه مدل ابزار آزمایشگاهی و تحقیقاتی در آن‌ها موجود است (موسوی، ۱۳۷۸: ۷۲).

۴-۴. ثبات اقتصادی و رشد صادرات

مالزی در دهه ۱۹۷۰، چهار ببر آسیا (کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، هنگ‌کنگ) را الگوی خود قرار داد و تلاش نمود به جای استخراج معادن و کشاورزی بیشتر به صنعت متکی باشد. با سرمایه‌گذاری ژاپن صنایع سنگین آن به مرور نمایان و مالزی پی‌درپی به رشد بالای ۷ درصد در تولید ناخالص ملی در کنار تورمی ناچیز در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دست یافت (برادران شرکاء، ۱۳۸۸: ۱۶۲). مالزی

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرچی و فیضی

همچنان در دسته‌ی مواد خام اولیه و درآمد حاصل از اقلام نسبتاً جدید یعنی الوار، روغن نخل، نفت و گاز غالب هستند. به‌علاوه تولیدات کارخانه‌ای، یک‌سوم تولید ناخالص داخلی و حدود ۸۰ درصد درآمدهای ناخالص داخلی را شکل می‌دهند. کالاهای الکترونیک به تنهایی از مهم‌ترین کالاهای کارخانه‌ای به حساب می‌آیند که از بالاترین رشد برخوردار می‌باشند. لذا در این بخش مالزی دارای جایگاه بین‌المللی قابل توجهی است و دولت همچنان تمرکز خود را به ارتقای محتوای داخلی تولیدات معطوف داشته است.

۴-۵. تصمیم‌گیری دولت

دولت مالزی به‌عنوان یک دولت توسعه‌گرا جایگاهی مهم در نظارت بر فرآیند توسعه‌این کشور به عهده داشته است. از این‌رو امروزه مالزی از اندونزی پیشی گرفته و کیفیت بهتر تصمیم‌گیری‌های دولت و مشارکت یک بخش خصوصی رقابت‌پذیر علت آن است (نیزبیت، ۱۳۸۵: ۲۱۶). مالزی از اواخر دهه ۱۹۸۰ پیوسته نرخ رشد بالای ۸ درصد را به دست آورده و می‌کوشید تورم را از طریق خط‌مشی‌های پولی، مالیاتی و صنعتی کنترل کند و به‌علاوه برای نظارت و کنترل قیمت‌ها، مستقیماً وارد شود. دولت خط‌مشی‌های کلی اقتصادی و عمرانی خود را در چارچوب برنامه‌های پنج‌ساله اجرا می‌کند و سرمایه‌گذاری مستقیم و مدیریت پروژه‌های صنعتی راهبردی همچون ایجاد نخستین اتومبیل ملی موسوم به «پروتون» را خود برعهده گرفته است. دولت، راهبرد منسجمی را که متناسب با منابع و اهداف صنعتی‌اش باشد، با مشارکت بخش خصوصی و عمومی به اجرا درنیاورده است گرچه اختیارات قابل‌ملاحظه‌ای که در مورد سرمایه‌گذاری صنعتی دارد، توانایی این کار را به او می‌دهد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۶).

۴-۶. سیاست خارجی توسعه‌گرا

یکی از مهم‌ترین اسباب توسعه مالزی را می‌توان سیاست خارجی مدارا جوی این کشور دانست. آمیزه‌ی ویژه‌ی قومی و نژادی که به سختی می‌توان آن را برتری مالایی‌ها نامید، سبب شد که مالزی از همان ابتدا کشوری آسیب‌پذیر به شمار آید. وجود اقلیت چینی که مالایی‌ها را مجبور می‌کند در کنار روابط با ژاپن، ایالات‌متحده، و بریتانیا با چین هم روابط خوبی برقرار کنند، سبب شده مالزی به سمت چندجانبه‌گرایی گرایش داشته باشد. همچنین در طول چند دهه اخیر و دست کم از زمان پایان درگیری‌های نژادی در سال ۱۹۶۹، رهبران این کشور با آگاهی از این نقطه ضعف در صدد برآمدن آن را با گسترش روابط مدارا جویانه تر با دنیای خارج جبران نموده و حتی یزدانیدند. در حقیقت، سیاست خارجی در بسیاری از موارد ابزار حل‌وفصل مشکلات داخلی و برقراری اتحاد درونی بوده است. مالزی در

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

سال‌های پس از دهه‌ی ۱۹۷۰، در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری به‌مراتب مهم‌تر برای افزایش روابط اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توجه نمود (فیضی، ۱۳۷۸: ۵۶۱).

در اوایل دوران استقلال، مالزی، بالطبع، همچون هر کشور تازه استقلال یافته، دچار مشکلات مرزی با همسایگان شد. بیشتر این اختلافات با اندونزی و فیلیپین بر سرداشتن چند جزیره بود. در این اختلافات مالزی با نزدیک شدن به ایالات‌متحده، توانست از موقعیت مبارزه آن کشور با کمونیسم بهره جوید و آن را به صورت اهرم فشاری علیه اندونزی و فیلیپین هدایت نماید. در نتیجه ایالات‌متحده علیه اندونزی به رهبری سوکارنو که هیچ گرایشی به غرب نداشت، از مالزی طرفدار غرب پشتیبانی نمود. تا اوایل دهه ۱۹۷۰ که مالزی بیشتر در نوعی انزواگرایی برای حل مشکلات خود به سر می‌برد، سیاست خارجی‌اش هم براساس گونه‌ای انزواگرایی و یک منطقه‌گرایی ضعیف بود. به عبارت بهتر، مالزی از ژاپن و چین برای تقویت موقعیت منطقه‌ای و از ایالات‌متحده و بریتانیا برای بهبود جایگاه بین‌المللی بهره می‌گرفت.

در این دوره، مالزی همچنین زیر سایه‌ی شرایط داخلی‌اش، سیاست ویژه‌ای داشت که می‌توان آن را پیوندهای منقطع نامید. مطابق این سیاست، در حالی که برای جلب رضایت ایالات‌متحده، از نبرد آن کشور در ویتنام حمایت می‌کرد، با چین هم روابط بسیار خوبی داشت. به دلیل نقش مؤثر چینی‌های مالزی، این کشور نخستین دولتی بود که چین کمونیست را به رسمیت شناخت و در سال ۱۹۷۴ هم با آن کشور روابط دیپلماتیک برقرار نمود. روابط این دو کشور با سفر ماهاتیر محمد به بیجینگ در سال ۱۹۸۵ گسترش یافت و به دنبال آن، روابط اقتصادی هم فزونی گرفت، به گونه‌ای که اکنون در میان کشورهای عضو آسه آن مالزی بیش‌ترین روابط را با چین دارد (فیضی، ۱۳۷۸: ۵۶۲).

چین اکنون یکی از مهم‌ترین همکاران اقتصادی و سیاسی مالزی است. مالزی در زمینه‌ی سیاسی با بسیاری از مسائل منطقه‌ای و جهان سومی با چین همفکر است. در مورد مسائل اقتصادی هم چین مقصد بیشترین صادرات مالزی و منبع مهم سرمایه‌گذاری خارجی در مالزی است. در همین چهارچوب، مالزی تنش خاصی هم با سنگاپور داشت. در حالی که دو کشور در سال ۱۹۶۱ در فدراسیون مالزی در هم آمیخته بودند، به دلیل سیاست ویژه مالایی‌ها که سرچشمه گرفته از ترس از نفوذ چینی‌ها و اکثریت افتادن مالایی‌ها بود، آن کشور را در سال ۱۹۶۵ بیرون راندند. در ادامه، روابط دو کشور همچنان پر تنش بود ولی مالزی با روابط گرمی که با چین و ایالات‌متحده داشت توانست تنش با این کشور را مدیریت نماید (توکلی، ۱۳۸۴: ۲۱۲).

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرچی و فیضی

یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست خارجی مالزی، روابط این کشور با بریتانیا است. مالزی از زمان استعمار تاکنون، روابط ویژه‌ای با بریتانیا دارد. اساس این روابط تا حد زیادی در بردارنده امتیازات ویژه اقتصادی بریتانیا در مالزی در برابر توسعه اقتصادی این کشور و پشتیبانی سیاسی از آن در منطقه بوده است. به این دلیل تا اوایل دهه ۱۹۷۰ بریتانیا، در مالزی حضور نظامی داشت. روابط دو کشور بعد از به قدرت رسیدن ماهاتیر محمد تا حد زیادی باز تعریف شد و به کاهش نفوذ آن کشور در مالزی انجامید. ماهاتیر محمد، روابط با بریتانیا را در سایه سیاست نگاه به شرق خود قرار داد. ماهاتیر محمد اعلام کرد که امتیازهای مربوط به داد و ستد با آن کشور دیگر مطرح نیست و فقط منافع مالزی در نظر گرفته می‌شود. با این حال روابط دو کشور با سفر ماهاتیر محمد به لندن در سال ۱۹۸۸ گسترش یافت و دو کشور قراردادی جنگ‌افزاری به مبلغ یک میلیارد پوند بستند (توکلی، ۱۳۸۴: ۲۵۳-۲۵۰).

در این میان روابط مالزی و ژاپن همواره روابط خوبی بوده است. در زمان جنگ جهانی دوم ژاپنی‌ها به مالزی آمدند و جای بریتانیا را گرفتند. ژاپنی‌ها در خلال حضورشان، مالایی‌ها را بر دیگر اقوام ترجیح دادند و این تجربه بسیار شیرینی برای مالایی‌ها شد تا زمام امور سیاسی را به دست گرفتند. در حقیقت، مالایی‌ها موقعیت برتر سیاسی‌شان را مدیون کمک ژاپنی‌ها هستند. پس از استقلال هم دو کشور روابط خوبی باهم داشته‌اند. مالزی به‌ویژه در دوره‌ی نخست‌وزیری ماهاتیر محمد، همواره به ژاپن به‌عنوان یک همکار سیاسی و اقتصادی مهم و یک الگوی توسعه موفق نگریسته است. سیاست نگاه به شرق ماهاتیر محمد بیشتر در توجه به روابط با ژاپن خلاصه می‌شد. ژاپنی‌ها هم با توجه به این نگرش خاص مالزی، به فرآیند توسعه مالزی کمک کرده‌اند. اکنون ژاپن از مهم‌ترین همکاران مالزی و منبع بسیار مهم سرمایه‌گذاری خارجی در آن است (فیضی، بی تا: ۵۶۳). در مجموع مالزی با وجود اینکه در دوره قبل از جنگ جهانی دوم به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت استعمار انگلستان و ژاپن بوده است، در حال حاضر اولین کشور پیشرفته اسلامی و هفدهمین کشور پیشرفته جهان است. از پارامترهای اصلی توسعه در این کشور مدیریت کلان اقتصادی این کشور به‌ویژه در شش دوره نخست‌وزیری ماهاتیر محمد بوده است. توسعه مالزی در قالب برنامه‌های کوتاه مدت (پنج‌ساله) و بلند مدت (چشم‌انداز ۳۰ ساله)، راهبرد جایگزینی واردات در یک دوره کوتاه و سپس انتخاب راهبرد توسعه صادرات امکان‌پذیر شده است. آزادسازی، خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری خارجی عوامل اصلی تداوم توسعه در مالزی در دهه‌های اخیر بود.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

جدول ۱: وضعیت مالزی در ادوار تاریخی

وضعیت مالزی در ادوار تاریخی	
تسلط هلند و بریتانیا بر مالزی	قرن ۱۸ و ۱۹
عدم توجه به بخش کشاورزی و فقر زیاد	قبل از جنگ جهانی دوم
دگرذیسی قدرت استعماری و آمدن ژاپنی‌ها و رفتن بریتانیایی‌ها و قوی‌تر شدن مالایی‌ها	جنگ جهانی دوم
تدوین پیش نویس برنامه توسعه و توسعه زیرساخت و کشاورزی	۱۹۵۵-۱۹۵۰
استقلال فدراسیون مالایا	۱۹۵۷
تدوین اولین برنامه توسعه اقتصادی و صرف منابع موجود برای مقابله با شورش کمونیسم‌های مالایی به جای توسعه مناطق روستایی	۱۹۶۰-۱۹۵۵
تدوین دومین برنامه پنج‌ساله مالایا توسط دولت مالزی	۱۹۶۵-۱۹۶۱
ایجاد تسهیلات و شرایطی برای جمعیت روستایی جهت ارتقای سطوح رفاه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها	
تدوین اولین برنامه توسعه مالزی با هدف افزایش رفاه شهروندان، ارتقای شرایط زندگی در مناطق روستایی، افزایش دسترسی به تسهیلات پزشکی	۱۹۷۰-۱۹۶۵
تدوین سیاست نوین اقتصادی با هدف ایجاد شرایط اقتصادی-اجتماعی جهت حصول اتحاد ملی از طریق سیاست‌های باز توزیعی	۱۹۹۰-۱۹۷۰
تدوین سیاست نوین توسعه با هدف سپردن ۳۰ درصد از کل فعالیت‌های اقتصادی به بومیان و شتاب بخشی به توسعه	۲۰۰۰-۱۹۹۱
تدوین برنامه بلند مدت با توجه بر ایجاد ملت انعطاف‌پذیر و قابل رقابت	۲۰۱۰-۲۰۰۱
تبدیل مالزی به کشوری کاملاً توسعه‌یافته از لحاظ ثبات سیاسی، اقتصادی، عدالت اجتماعی، نظام حکومتی، کیفیت زندگی، ارزش‌های اجتماعی و معنوی، غرور ملی و استواری.	چشم‌انداز ۲۰۲۰

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

دولت کارآمد مالزی به‌عنوان تجربه‌ای موفق در زمینه تدوین برنامه‌ها و سیاست‌هایی در راستای توسعه اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در روند توسعه ملی داشته است. مالزی در پرتو سیاست‌گذاری‌های خردمندانانه و توسعه‌گرا در اندک زمانی از کشوری موزاییکی، پرتنش و فقیر به کشوری در آستانه توسعه‌یافتگی تبدیل شده است. این کشور همچون هر کشور جهان سومی دیگر مشکلات پرشمار دگرگونی قومی، مذهبی، استعمار، واپس ماندگی، و... را داشته است اما در سایه تلاش برای حل‌وفصل اختلافات سیاسی درونی و توسعه اقتصادی از راه یک سیاست خارجی توسعه نگر به مراحل شایسته‌ای از توسعه دست‌یافته است. به‌عبارت‌دیگر، سیاست خارجی به‌عنوان حلقه و صل یک نظام سیاسی به

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرچی و فیضی

صحنه سیاست بین‌الملل، که در واقع مهم‌ترین حلقه توسعه‌ای هر کشوری نیز هست، در مالزی به درستی و دقت تعریف شده بود. مالزی با وجود اینکه در دوره قبل از جنگ جهانی دوم به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت استعمار انگلستان و ژاپن بوده است، در حال حاضر اولین کشور پیشرفته اسلامی و هفدهمین کشور پیشرفته جهان است. از پارامترهای اصلی توسعه در این کشور مدیریت کلان اقتصادی این کشور به‌ویژه در شش دوره نخست‌وزیری ماهاتیر محمد بوده است. توسعه مالزی در قالب برنامه‌های کوتاه مدت (پنج ساله) و بلند مدت (چشم‌انداز ۳۰ ساله) راهبرد جایگزینی واردات در یک دوره کوتاه و سپس انتخاب راهبرد توسعه صادرات امکان‌پذیر شده است. آزادسازی، خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری خارجی عوامل اصلی تداوم توسعه در مالزی در دهه‌های اخیر بوده است. در نهایت اینکه امروزه در فرآیند توسعه اقتصادی علاوه بر سرمایه فیزیکی، انسانی، اجتماعی، تحول نهادی و ساختاری و تجارت خارجی "سیاست خارجی کارآمد" مورد توجه است. در انزوا و جدای از جهان اساساً امکان توسعه وجود ندارد. نظام بین‌الملل برخلاف تصور ما وجه اقتصادی پررنگ‌تری دارد و در عین حال ظرفیت‌های بسیار اقتصادی که با قدری تیزهوشی و مصلحت‌اندیشی قابل دستیابی است.

منابع

- ۱) ابراهیم مقدم، ساسان (۱۳۷۶)، دیدگاه‌های کلی در رشد و توسعه کشورهای شرق آسیا، مجموعه مقالات و گزارش‌ها، شماره ۵.
- ۲) اسکندریان، مهدی و سیمیاریان، قاسم و سعید کلاهی، حسن (۱۳۸۳)، آشنایی با کشورها اسلامی (۲)، تهران: ابرار معاصر.
- ۳) اشرف افخمی؛ علی (۱۴۰۰)، معمای توسعه: تجربه ماهاتیر و مالزی، تهران: کتاب نیستان.
- ۴) اوانز، پیتر (۱۳۸۱)، توسعه یا چپاول؛ نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندباف و عباس مخیر، تهران: طرح نو.
- ۵) اناک جوان، جایوم (۱۳۹۰)، سیاست و حکومت در مالزی، ترجمه مجید خورشیدی و فخرالدین سلطانی، تهران: سایه‌گستر.
- ۶) برادران شرکاء، حمید و نیک‌خواه، محمدرضا (۱۳۸۷)، رشد و فقر: بازنگری در آموزه‌های شرق آسیا، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهشی اقتصاد، کد گزارش: ۱۳-۸۷-۱-۰۴.
- ۷) برادران شرکاء، حمید و جعفری، آمنه و کاویانی فر، محبوبه (۱۳۸۷)، چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهشی اقتصاد، کد گزارش: ۱۴-۸۷-۱-۰۴.
- ۸) برنل، پیتر و رندال، ویکی (۱۳۸۷)، مسائل جهان سوم: سیاست در جهان در حال توسعه، ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی، تهران: قومس.
- ۹) تشکینی، احمد و عربانی، بهار (۱۳۸۶)، تجربه برنامه‌ریزی توسعه در کشور مالزی، نهران: دفتر مطالعات اقتصادی، گروه مطالعه قیمت‌گذاری و سیاست‌های حمایتی.
- ۱۰) توکلی، محمدکاظم (۱۳۸۴)، ماهاتیر محمد: معمار مالزی نوین، تهران: هزاره ققنوس.
- ۱۱) جعفری، عباس (۱۳۸۴)، گیتاشناسی کشورها، تهران: موسسه جغرافیایی و کار توگرافی گیتاشناسی.
- ۱۲) جعفرزاده، رویا (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی خصوصی سازی و چالش‌های آن در ایران و مالزی، تهران: مدیریت.
- ۱۳) دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳)، دولت و توسعه اقتصادی، اقتصادسیاسی در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا، تهران: آگاه.
- ۱۴) رنجکش، محمدجواد (۱۳۹۸)، درنگی بر آسیب‌شناسی ابعاد نهادی توسعه مالزی، فصلنامه راهبرد توسعه، سال پانزدهم، شماره ۳.

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرجی و فیضی

- ۱۵) حسن زاده، محمد و میرزا ابراهیمی، رضا (۱۳۸۶)، استراتژی کاهش فقر: تجربه کشورهای شرق آسیا، تهران: موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد.
- ۱۶) خواجه سروی، غلامرضا و رسولی، امیر ابراهیم (۱۳۹۸)، مقایسه نقش ثبات سیاسی در الگوی توسعه مالزی و ترکیه با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۳۸.
- ۱۷) دلاوری، رضا و عینی، رحیم (۱۳۹۷)، مقایسه نقش نخبگان در فرآیند توسعه اقتصادی ایران و مالزی با تأکید بر نظریه "آدریان لفت ویچ" (دوره ماهاتیر محمد و محمد خاتمی)، سپهر سیاست، سال ۵، شماره ۱۷.
- ۱۸) سامتی، مرتضی و رنجبر، همایون و فضیلت، محسنی (۱۳۹۰)، تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۱، شماره ۴.
- ۱۹) شریف النسبی، مرتضی (۱۳۷۵)، چرخه توسعه: راهنمای رشد شتابان کشورهای جنوب شرقی آسیا، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۲۰) شفایی، مسعود (۱۳۷۸)، جهانی‌شدن توسعه‌گرایی با نگاهی به تجربه شرق آسیا، راهبرد، شماره ۴۷.
- ۲۱) شیرزادی، رضا (۱۳۸۹)، دولت و توسعه سیاسی در مالزی، تهران: مطالعات سیاسی، دوره سوم، شماره نه.
- ۲۲) صارمی، محمدباقر (۱۳۷۳)، ریشه‌های موفقیت در آسیا، تهران: مجله تازه اقتصاد، شماره چهل و چهار.
- ۲۳) قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۴)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.
- ۲۴) عجم اغلو، دارون و رابینسون، جیمز (۱۳۹۴)، چرا کشورها شکست می‌خورند، ترجمه پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی پور، تهران: دنیای اقتصاد.
- ۲۵) عزیز، عصمت الله (۱۳۹۸)، مقایسه توسعه سیاسی-اقتصادی در کشورهای مالزی و هند، مجله اقتصادی، شماره‌های ۷ و ۸.
- ۲۶) کک وینگ، لیم (۱۳۸۸)، چشم‌انداز توسعه کشور مالزی: مأموریت ۲۰۲۰، ترجمه کیانوش کیانی هفت لنگ و محمدجواد کاس نژاد، تهران: هزاره ققنوس.
- ۲۷) کیان پور، سعید و تولایی، رویا (۱۳۹۳)، بررسی نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط مقیاس در توسعه فعالیت‌های اقتصادی کشور مالزی، تهران: پارک‌ها و مراکز رشد، سال دهم شماره سی‌وهشت.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

۲۸) لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۲)، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و احمد علیقلیان، تهران: طرح نو.

۲۹) لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۵)، دولت‌های توسعه‌گرا: پیرامون اهمیت سیاست در توسعه، ترجمه جواد افشار کهن، مشهد: مرنديز، نی نگار.

۳۰) لیپیگر، دنی (۱۳۷۵)، تجربه توسعه در شرق آسیا: مجموعه مقالات، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.

۳۱) محمد، ماهاتیر (۱۳۷۸)، در جستجوی فقیه‌الملک سلیمان، ترجمه محمدسوری. تهران: انتشارات سیمین.

۳۲) مسائل، محمود (۱۳۷۵)، مالزی، تهران: وزارت امور خارجه.

۳۳) موسوی، سیدحسین (۱۳۷۸)، مالزی از دیروز تا امروز، تهران: مسعی.

۳۴) نیزیت، جان (۱۳۸۵)، آسیا به کجا می‌رود؟ روندهای کلان در آسیا، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

۳۵) نورث، داگلاس (۱۳۹۵)، در سایه خشونت، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور، تهران: روزنه.

۳۶) واعظی، محمود و موسوی شفاپی، سید مسعود (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات کنفرانس ملی سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳۷) هیل، کریستوفر (۱۳۸۷)، ماهیت متحول سیاست خارجی، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۸) وود، آلن. ت (۱۳۸۴)، دموکراسی‌های آسیایی، ترجمه زهرا زهرایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۳۹) هالستی، کالوی جاکوی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: وزارت امور خارجه.

40) Aslam. Mohamed, (2008), Information and Communication Technology and Economic Development in Malaysia, Information Science Reference, Chapter 190, p. 2659-2672.

41) Athukorala. Premachandra, Menon jayant, (1996), Foreign Investment and Industrialization in Malaysia: Exports, Employment and Spillovers, Asian Economic Journal 1996. Vol. 10 No. 1.

42) Anita Doraisami, The Gender Implications of Macroeconomic Policy & Performance in Malaysia 2005. www.worldpress.org/profiles/malaysia.cfm .

ویژگی‌های فرآیند توسعه‌ی اقتصادی مالزی (۱۹۸۰-۲۰۱۰)/آقای مزرجی و فیضی

- 43) B. Ang, James, and Warwick J. Mckibbin, (2005), Financial Liberalization, Financial Sector Development and Growth: Evidence from Malaysia, Brookings Discussion Paper in International Relations, No.
- 44) Hj. Husain, Talaat, (2006) Economic Growth and Competition Policy in Malaysia, a paper presented to the 2nd ASEAN Conference on Competition Policy and Law ,Bali-Indonesia (14-16June).
- 45) JB Ang (2008), Economic development, pollutant emissions and energy consumption in Malaysia, Journal of Policy Modeling, – Elsevier.
- 46) Ritchie, Bryan (2004), Politics and Economic Reform in Malaysia, Michigan State University, James Medison College, William Davidson Institute Working Paper, No. 655.

یادداشت‌ها :

-
- 1 Aslam
2 Athukorala& Menon
3 Talaat
4 James& Mckibbin
5 JB Ang
6 Bryan
7 Anita doraisami
8 new economic policy
9 www.worldpress.org/profiles/malaysia.cfm